

زبان چینی از انزوا تا آستانه جهانی شدن

علی محمد سابقی^۱

زبان چینی با شکل نگارشی خاصش، رمزنامه‌ای از اشارات ظریف است که مانندی در جهان ندارد و هیچ زبانی در سادگی و رساندن اندیشه‌های بسیار در قالب عبارات‌های کوتاه، با آن برابری نمی‌کند. هر نشانه این زبان مستقیماً چیزی را بیان نمی‌کند، بلکه طرحی است کلی که به مفهوم اصلی اشارت دارد، و برای هر آنچه در جهان موجود است، نشانه ویژه‌ای وجود دارد. یک نشانه ساده نگارشی این زبان معانی‌ای را در بردارد که در زبان‌های دیگر به کمک کلمات متعددی بیان می‌شود. به همین دلیل برخی گمان برده‌اند که زبان چینی بیش از اندازه اشاره‌ای و مبهم است، در حالی که به نظر مردم چین گناه مبهم‌گویی از پرگویی کم‌تر است. در تمام زبان‌های مردم متمدن جهان، فراگیری خواندن و نوشتن، توأمان صورت می‌گیرد، در حالی که در زبان چینی قضیه بر خلاف آن است. هستند بسیاری که به چینی

۱. راین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بکن

خوب حرف می‌زنند، در حالی که از خواندن و نوشتن آن عاجزند. در واقع چینی‌گفتاری و چینی‌نوشتاری در حکم دو زبان جداگانه‌اند که رسانه‌ی یکی شنیداری و دیگری دیداری است. لذا می‌توان ادعا کرد که چینی‌گفتاری یکی از ساده‌ترین و چینی‌نوشتاری یکی از دشوارترین زبان‌های دنیاست.

در این زبان، خط نماینده‌ی معناست نه آوا، و به اصطلاح، خط اندیشه‌نگاری است نه الفبایی، که نگاره‌های پایه‌ای آن بیانگر اشیای طبیعی هستند. همین ویژگی سبب شده است که در طول تاریخ، مردمان این سرزمین پهناور با زبان‌ها و گویش‌های گوناگون، در ادبیات مکتوب با هم پیوند داشته باشند و هر کس به زبان خود متن‌ها را بخواند و بفهمد. خط چینی در طول تاریخ، رشته‌ی بگانگی مردم این سرزمین بوده و هر چینی‌باسبود می‌توانسته است تمام آثار ادبی و نوشته‌های سده‌ها و هزاره‌های پیشین کشور خویش را بخواند و بفهمد. این خط بی‌بدیل، با هنر خوشنویسی برجسته‌ی آن، یکی از جلوه‌های هنر چینی و ظرافت آن است که آموختن آن نیازمند ریاضت و تمرین درازمدت و ذوق خاصی است.^۱

تحول در خط چینی

سرنوشت خط چینی در سرزمین اصلی، با پیروزی حزب کمونیست در سال ۱۹۴۹ دچار تحول شد و از حالت قدیمی و به‌شدت متکی بر علایم نوشتاری سنتی، به‌سوی سهولت و ساده‌نگاری گرایش پیدا کرد؛ در حالی که در سرزمین‌های پیرامونی همچون تایوان، هنگ‌کنگ، ماکائو، و حتی سنگاپور و مالزی، اصرار بر ادامه‌ی همان سبک و سیاق گذشته است. این اختلاف نگارشی موجب فاصله‌ای نه‌چندان کم بین خط در سرزمین اصلی و مناطق پیش‌گفته شده و پس از گذشت حدود نیم قرن از آن، خواندن نوشته‌های دو سوی مرز برای ساکنان طرف دیگر مشکل‌آفرین گردید. لذا خواندن آنچه در چین کمونیست منتشر می‌شود، برای چینی‌های خارج از سرزمین اصلی دشوار، و قرائت نشریات مناطق یادشده برای ساکنان سرزمین مادری ناآشنا و سخت است؛ این در حالی است که تلفظ هر دوی آنان یکی است. البته این اختلاف در تلفظ، حتی در داخل سرزمین اصلی و در بین ساکنان مناطق مختلف سرزمین پهناور چین نیز وجود دارد و ممکن است یک کلمه را ساکنان مناطق شمالی به نوعی تلفظ کنند، در حالی که در مناطق جنوبی تلفظ آن به‌طور کلی متفاوت است.

۱. داریوش آشوری، نگاهی به سرزمین، تاریخ، جامعه و فرهنگ چین از دیرینه‌ترین روزگار تا پایان سده نوزدهم.

این تنوع در تلفظ، غیر از تفاوت در لهجه‌ها و گویش‌هاست که حتی دو روستای همجوار زبان یکدیگر را نمی‌فهمند، اگر چه خط هر دو یکی است.

آغاز اصلاحات اقتصادی در اواخر دهه هفتاد قرن گذشته میلادی و میل و گرایش شدید برخی از روشنفکران به انجام تغییرات در تمام چیزهای مربوط به گذشته، کم‌کم نزدیک بود دامن خط و زبان چینی را هم بگیرد. برخی از روشنفکران و حامیان خارجی آنان به شدت ایده کنار گذاشتن خط و حروف چینی و استفاده از حروف لاتینی را مطرح می‌ساختند، و تبلیغ می‌کردند که علت اصلی عقب‌ماندگی چین استفاده از خط و حروف چینی است؛ درست همان تفکری که از سوی برخی از روشنفکران وطنی در گذشته‌های نه چندان دور در مورد خط و زبان فارسی مطرح می‌شد. اما سرانجام فرهیختگان ستگرا با تلاش‌های فراوان، مانع از پیاده شدن این ایده شدند و از خط و زبان کهن و ریشه‌دار چینی حراست کردند.

ورود به بازار جهانی

اگر چه وجود هزاران علایم نوشتاری و دشواری تلفظ، زبان چینی را یکی از سخت‌ترین زبان‌های دنیا برای یادگیری کرده و زبان‌شناسان آن را در گروه چهار زبان‌های سخت دنیا قرار داده‌اند^۱ و تا چند دهه پیش کسی جرئت و رغبتی برای یادگیری آن نشان نمی‌داد، اما امروزه این دشواری‌ها نه تنها نتوانسته مانع گرایش و تمایل میلیون‌ها نفر در سراسر جهان برای یادگیری این زبان شود، بلکه «توسعه اقتصادی چین طی دو دهه گذشته» و «حضور فعال سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور» و «اتخاذ سیاست درهای باز از سوی دولتمردان چینی» موجب شده که این زبان دشوار و مهجور، در قرن بیست و یکم در آستانه تبدیل شدن به یک زبان بین‌المللی قرار گیرد و برای جهانی شدن و همدوش شدن با زبان انگلیسی، زمینه‌سازی کند. افزایش سرسام‌آور زبان‌آموزان چینی در سراسر جهان و ایجاد کرسی‌های تدریس آن در دانشگاه‌های معتبر شرق و به‌ویژه غرب، و سرازیر شدن سالانه ده‌ها هزار دانشجوی خارجی به چین برای یادگیری زبان و فرهنگ چینی، گواه روشن این واقعیت است.

بر اساس آمار منتشره از سوی وزارت آموزش چین، هم اکنون بیش از سی میلیون نفر

۱. روزنامه چاینا دیلی، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵.

در سراسر جهان و در سطوح مختلف، از مدارس ابتدایی و متوسطه گرفته تا دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، سرگرم فراگیری زبان چینی هستند.^۱ طبق این آمار، در حال حاضر بیش از ۲۵۰۰ دانشگاه در یکصد کشور جهان اقدام به راه‌اندازی کرسی‌های آموزش زبان چینی کرده و در انگلستان و آمریکا هزاران مدرسه ابتدایی و متوسطه زبان چینی را در زمره زبان‌های انتخابی دانش‌آموزان قرار داده‌اند؛^۲ در شرق آسیا بیش از بیست هزار معلم به امر آموزش زبان چینی به داوطلبان اشتغال دارند که این مقدار پاسخگوی خیل داوطلبان نیست.^۳

وزارت آموزش چین سالانه علاوه بر اعزام صدها معلم داوطلب تدریس زبان چینی به دیگر کشورها، دانشجویان چینی شاغل به تحصیل در کشورهای خارجی و یا زبان‌آموختگان همان کشورها را نیز به کار گرفته است تا بتواند بخشی از نیاز سیل مشتاقان به یادگیری زبان چینی را پاسخ دهد. این وزارتخانه که از سال ۱۹۵۱ مسئولیت آموزش زبان چینی به علاقه‌مندان خارجی را بر عهده گرفته است، در سال ۱۹۹۸ برای ایجاد وحدت رویه در نظام آموزشی و متون درسی و برگزاری آزمون یکسان و صدور گواهینامه معتبر برای زبان‌آموختگان، اقدام به برگزاری آزمون سراسری تحت عنوان «آزمون مهارت زبان چینی» (HSK) همچون آزمون سراسری تافل، کرد. این آزمون در سال ۲۰۰۴ در ۱۵۱ حوزه امتحانی در ۳۴ کشور جهان به صورت همزمان برای بیش از نود هزار زبان‌آموز برگزار شد و برای پذیرفته‌شدگان گواهینامه معتبر کسب مهارت در زبان چینی صادر گردید.^۴

طبق آمار منتشره از سوی وزارت آموزش چین، میزان داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون بین‌المللی HSK سالانه چهل درصد رشد داشته است،^۵ و این درحالی است که فقط در سال ۲۰۰۴ بیش از ۸۶ هزار دانشجوی خارجی نیز جهت تحصیل در رشته زبان و ادبیات و فرهنگ چینی، در بیش از سیصد دانشگاه این کشور ثبت نام به عمل آورده‌اند.

موج فراگیری زبان چینی، و یا به تعبیر دیگر تب چینی‌آموزی، در سراسر دنیا این نظر را در بین برخی از تحلیلگران به وجود آورده است که با توجه به موج مهارنشدنی توسعه اقتصادی چین طی دو دهه گذشته، امکان جهانی شدن زبان چینی نیز غیرمحمول نخواهد

۱. خبرگزاری شین‌هوا، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵.
۲. روزنامه چایندیلی، ۱۹ ژوئن ۲۰۰۵.
۳. خبرگزاری شین‌هوا، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵.
۴. روزنامه چایندیلی، ۱۹ ژوئن ۲۰۰۵.
۵. خبرگزاری شین‌هوا، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵.

بود؛ زبانی که هم اکنون مورد استفادهٔ یک چهارم جمعیت دنیاست و اقتصاد آن، قدرت‌های بزرگ اقتصادی و تولیدی و تجاری جهان را به چالش کشیده و آنها را وادار نموده در مقابل تولید انبوه و ارزان قیمت کالاهای چینی زانو بزنند و یا با آن به نحوی کنار بیایند.

در حال حاضر جهان به این واقعیت پی برده است که در آینده ناچار از توسعهٔ روابط اقتصادی و همکاری‌های تجاری و سیاست و فرهنگی با چین است و برای منطقی کردن این روابط، نیازمند تفاهم و گفت‌وگو و شناخت روحیات و زبان و فرهنگ مردم این کشور است؛ از این رو از اواخر قرن گذشته و به‌ویژه اوایل قرن جاری، به زمینه‌سازی انجام این گفت‌وگو از طریق یادگیری زبان و فرهنگ چینی پرداخته و با اعزام سالانه ده‌ها هزار دانشجو به چین، مقدمات این تبادل را فراهم ساخته است. هم اکنون تعداد زیادی از سفیران دیپلمات‌ها، بازرگانان، مسئولان طرح‌ها و مدیران اجرایی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که در چین کار می‌کنند، از فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان و زبان‌آموزان چینی کشورهای سرمایه‌گذار هستند. آنان به دلیل تسلط به زبان چینی و آشنایی با فرهنگ و خلیقیات و روحیات اجتماعی مردم این کشور، به راحتی با مسئولان و مقامات عالی‌رتبه و کارشناسان و حتی کارگران چینی، به زبان خودشان صحبت و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. طرف‌های چینی نیز به دلیل عدم آشنایی با زبان خارجی، از این امر که کار آنان را آسان‌تر ساخته است، استقبال می‌کنند و هر دو طرف از این قضیه سود می‌برند.^۱

سیاست‌های دولت چین برای جهانی کردن زبان چینی

از دید دولت چین فراگیر شدن آموزش زبان چینی در جهان از یک سو به گسترش فرهنگ سنتی و تمدن کهن و زبان و ادبیات چین و شناخته شدن بهتر این کشور در جهان و نیل به هدف تنوع فرهنگی می‌انجامد و از سوی دیگر موفقیت تجاری و اقتصادی و گسترش مبادلات کالاهای تولیدی چین را در دنیا در پی خواهد داشت،^۲ لذا دولت چین برای نیل به این اهداف برنامه‌ریزی‌هایی کرده است که این تجربه می‌تواند برای ایران نیز در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی مفید باشد.

۱- ایجاد گروه دولتی آموزش زبان چینی به عنوان یک زبان خارجی که در واقع مسئولیت اصلی سیاست‌گذاری، حمایت، هدایت و تأمین مواد آموزشی و کمک آموزشی فراگیری

۱. مشاهدات حضوری از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (به عنوان رایزن فرهنگی).

۲. روزنامهٔ چاینا دیلی، ۱۹ ژوئن ۲۰۰۵.

زبان چینی در خارج از کشور را به عهده داشته و زیر نظر شورای دولتی چین فعالیت می‌کند. -اصلاح روش‌های آموزشی، نظام‌های برگزاری آزمون‌های بین‌المللی، سهل‌الوصول و کاربردی کردن آنها و استفاده از روش‌ها و فناوری نوین و بررسی و مطالعه نظام‌های موفق آموزش زبان دنیا از جمله TOFEL و IELTS و الگوگیری از آنان برای بهبود روش‌های تدریس و کتاب‌های آموزشی.^۱

- برگزاری کلاس‌ها و آزمون‌های کوتاه‌مدت ویژه برای شاغلان در امر تجارت با چین، گردشگران و دانش‌آموزان.^۲

- تهیه و تدوین و انتشار کتاب و سایر مواد آموزش زبان چینی به آن دسته از زبان‌های زنده دنیا که بیشترین داوطلبان فراگیری زبان چینی را دارند. تاکنون کتاب‌های آموزشی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، ژاپنی، اندونزیایی، کره‌ای، اسپانیایی، و عربی چاپ و منتشر شده است.^۳

همچنین شورای دولتی چین، برای تقویت امر گسترش زبان چینی در خارج از کشور به عنوان عامل مهمی در توسعه مبادلات فرهنگی و تجاری، برنامه‌هایی به شرح زیر در دست اقدام دارد:^۴

۱. تسریع و کمک به تأسیس مؤسسه غیرانتفاعی «کنفوسیوس» در خارج از کشور که مهم‌ترین وظیفه آن گسترش زبان و فرهنگ چینی در جهان است. دولت در نظر دارد تا سال ۲۰۱۰ بیش از یکصد مؤسسه این چینی را در سراسر جهان تأسیس کند و تاکنون با همکاری دانشگاه‌های معتبر جهان در امریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس، و ژاپن شعبه‌ای از این مؤسسه دایر کرده است.

۲. توسعه و بهبود برنامه‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی نوین چندرسانه‌ای همچون Chengo Chinese و Great Wall Chinese و ارسال آن به مراکز مختلف آموزش زبان چینی در سراسر جهان. در حال حاضر بیش از پانزده هزار مدرسه در سراسر امریکا از طریق اینترنت از برنامه آموزشی Great Wall Chinese استفاده می‌کنند.

۳. کمک به اجرا و توسعه برنامه آموزشی Advanced Placement در ۲۵۰۰ دانشگاه و مرکز آموزش عالی امریکا در سال ۲۰۰۶ میلادی.

۱. همان.
۲. خبرگزاری شین‌هوا، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵.
۳. روزنامه چاینادیلی، ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵.
۴. خبرگزاری شین‌هوا، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵.

۴. کمک به اجرا و توسعه پروژه «تدریس داوطلبانه زبان چینی توسط معلمان بین‌المللی» و «هماهنگی برای صدور گواهینامه بین‌المللی شایستگی تدریس زبان چینی» برای
علاقه‌مندان به تدریس این زبان در سراسر جهان.

۵. بهبود کیفیت سؤالات امتحانی و برگه‌های آزمون بین‌المللی HSK.

۶. تأمین کتاب‌های آموزشی و وسایل کمک آموزشی مراکزی که به آموزش زبان چینی
می‌پردازند.

۷. توسعه و تجهیز کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مراکزی که به آموزش زبان چینی مبادرت
می‌ورزند.

۸. تأمین استادان مورد نیاز مراکز از بین داوطلبان تدریس زبان چینی.

۹. برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش زبان چینی در خارج از چین که در ماه
ژوئیه سال ۲۰۰۵ با حضور بیش از سیصد نفر از معلمان باتجربه و محققان مدرسان زبان
چینی از هفتاد کشور جهان در شهر پکن و بحث و بررسی پیرامون موضوعاتی از قبیل
«ارتباطات چندفرهنگی و نیاز به یادگیری زبان چینی»، «یافتن سازوکار عملی برای آموزش
و فراگیری زبان چینی در عصر جدید» و «چشم‌انداز توسعه آموزش زبان دوم در جهان در
قرن بیست و یکم»^۱.

۱۰. تأسیس مرکز پژوهش‌های چین‌شناسی در خارج توسط فرهنگستان علوم اجتماعی
چین در سال ۲۰۰۴ که اهداف آن عبارت‌اند از:

- شناسایی و ایجاد ارتباط علمی و اطلاع‌رسانی به مراکز و پژوهشگران چین‌شناسی
و معرفی دستاوردهای علمی و پژوهشی آنان به یکدیگر و به مراکز تحقیقاتی
داخل چین.

- یافتن زمینه‌های مشترک پژوهشی مورد علاقه محققان و مراکز پژوهشی داخلی و
خارجی و همکاری و پشتیبانی برای انجام هر چه بهتر تحقیقات.

- ایجاد بانک جامع اطلاعات از مؤسسات، مراکز و گروه‌های پژوهشی و چین‌شناسان و
علاقه‌مندان به پژوهش پیرامون زبان، فرهنگ، تاریخ و تمدن چین.

- همکاری در برگزاری سمینارها و سخنرانی‌های علمی پیرامون جایگاه و وضعیت
کنونی مراکز چین‌شناسی در خارج و شناسایی روش‌ها و گرایش‌های پژوهشی آنان.

- مبادله‌ی هیئت‌های علمی و تحقیقاتی، و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی متقابل برای مراکز یاد شده.^۱

۱۱. فراهم کردن زمینه مناسب در دانشگاه‌های مختلف داخل چین جهت جذب هر چه بیشتر دانشجویان خارج و استفاده از درآمد هنگفت آن برای گسترش زبان چینی، به نحوی که روند رو به رشد پذیرش دانشجویان خارجی، موجب ایجاد مؤسسات مختلف رسمی فراوان برای جذب دانشجویان خارجی شده و اغلب با همکاری دانشگاه‌های معتبر چینی به صورت گروهی با دایر کردن نمایشگاه‌های آموزشی در کشورهای مختلف و ارائه تسهیلات و اطلاعات، به جذب دانشجو می‌پردازند و از این طریق درآمد ارزی فراوانی برای دانشگاه‌های جذب می‌کنند؛ بخش صنعت آموزشی کم‌کم در حال شکل‌گیری است. بر اساس آمار منتشره از سوی وزارت آموزش چین از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۴ بیش از ۵۶۰ هزار دانشجوی خارجی در سیصد دانشگاه چینی به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۸۶ هزار نفر آنان فقط در سال ۲۰۰۴ ثبت نام کرده‌اند.^۲ قابل ذکر است که پس از حاکمیت حزب کمونیست در چین و آغاز پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های این کشور تاکنون، کمتر از ۱۵۰ نفر دانشجوی ایرانی به صورت بورسیه و آزاد در چین تحصیل کرده‌اند. این در حالی است که در حال حاضر بیش از ۲۵ هزار دانشجوی کره جنوبی در دانشگاه‌های چین تحصیل می‌کنند و تنها در دانشگاه پکن ۱۵۰۰ دانشجوی کره‌ای در حال تحصیل هستند.^۳

جایگاه زبان چینی در ایران

علی‌رغم روابط تاریخی دیرینه بین ایران و چین، که جاده قدیم ابریشم زمینی و دریایی در هزاره‌های گذشته نماد آن محسوب می‌شود، و به رغم میزان بالای مبادلات تجاری بین دو کشور - بیش از هفت میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ م -^۴ در حال حاضر مسئولان و سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران در این زمینه توجه کافی مبذول نکرده و از سایر رقیبان عقب مانده‌اند. در حال حاضر تعداد ایرانیان آشنا به زبان چینی که در دستگاه سیاست خارجی این کشور مشغول کارند، کمتر از نصف انگلستان یک دست است و در دستگاه‌های

۱. روزنامه کوانگ مینگ، ماه مارس ۲۰۰۴.
۲. نشریه چاینا نیوز، ۱۵ مارس ۲۰۰۳.
۳. مشاهدات حضوری از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (به عنوان رایزن فرهنگی).
۴. مصاحبه سفير جمهوری اسلامی ایران با خبرگزاری شین‌هوا ۲۱ ژوئن ۲۰۰۵.

اقتصادی و تجاری هم این رقم نزدیک به صفر است. تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در چین، اعم از بورسیه و آزاد، کمتر از تعداد دانشجویان کشورهای بسیار کوچک جنوب آسیا است. بخش غیردولتی هم که هنوز به صورت سنتی با چین مرادۀ بازرگانی دارد و به دلیل نداشتن آینده‌نگری، خود را از سرمایه‌گذاری در این زمینه بی‌نیاز می‌داند. اغلب بازرگانان ایرانی در سفر به چین، فارسی‌آموختگان چینی را بر چینی‌آموختگان ایرانی ترجیح می‌دهند.^۱

تنها دانشگاه ایران که در آن زبان چینی، آن هم تا سطح کارشناسی، آموزش داده می‌شود، دانشگاه شهید بهشتی است که طی بیش از هشت سال پس از تأسیس کرسی زبان چینی، قریب به یکصد نفر دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات چینی داشته است؛ اما از این تعداد، جز چند نفر، بقیه پس از اتمام درس بیکار رها شده‌اند.

از نظر تربیت استاد و کادر آموزشی مجرب نیز وضعیت مطلوبی وجود ندارد و معلم اعزامی از چین به دلیل پایین بودن سطح علمی نتوانسته این تنها مرکز رسمی آموزش زبان چینی در ایران را فعال سازد. در کنار بخش زبان چینی، به همت مسئولان دانشگاه یک مرکز چین‌شناسی نیز دایر شده که صرفاً نام مرکز را یدک می‌کشد و تاکنون هیچ نوع فعالیت علمی و پژوهشی قابل ملاحظه‌ای از آن مشاهده نشده است. فارغ‌التحصیلان این رشته نیز به دلایل مختلف نتوانسته‌اند تاکنون تشکل منسجمی را برای بهره‌وری مناسب از توانایی‌هایشان ایجاد کنند و هر کدام در گوشه‌ای یا بیکارند یا به شغل‌های غیرمرتبط با رشته تحصیلی خود پرداخته‌اند.^۲

همه این نابسامانی‌ها در حالی است که رابطه تاریخی گذشته بین ایران و چین، مشترکات فرهنگی، دیدگاه‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی، حجم مبادلات تجاری، همسویی در سیاست‌های بین‌المللی و چشم‌انداز آینده روابط بین دو کشور، فراتر از این میزان را می‌طلبد. حتی چینی‌ها هم در زمینه تربیت نیروهای فارسی‌دان و استفاده از نیروهای تربیت شده در این زمینه از ما جلوتر هستند. در حال حاضر در چهار دانشگاه چین رشته زبان و ادبیات فارسی تا سطح لیسانس و در دانشگاه پکن تا مقطع فوق لیسانس دایر است و تاکنون در این رشته بیش از سیصد نفر از دانشگاه‌های پکن، زبان‌های خارجی شانگهای، ولویانگ فارغ‌التحصیل شده‌اند، ولی هیچ کدام بیکار نیستند و همگی در بخش‌های مختلف دولتی،

۱. مشاهدات حضوری از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (به عنوان رایزن فرهنگی).

۲. گفت‌وگوی حضوری با تعدادی از فارغ‌التحصیلان رشته زبان چینی دانشگاه شهید بهشتی.

اعم از سیاست خارجی، بازرگانی، مطبوعات و رسانه‌ای، نظامی و انتظامی - که به نحوی با مناطق فارسی‌زبان دنیا (ایران، افغانستان، تاجیکستان) مرتبط هستند - به کار گمارده شده‌اند و در بخش‌های علمی و پژوهشی نیز ده‌ها جلد کتاب، از جمله هفت مورد از شاهکارهای ادبی ایران را تألیف و ترجمه و منتشر ساخته‌اند.^۱

به نظر می‌رسد برای عقب نماندن از قافله جهانی، لازم است در خصوص فراگیری زبان چینی در حد و اندازه مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور، سرمایه‌گذاری شود و در این زمینه از امکانات و تسهیلاتی که دولت چین در اختیار این نوع مراکز آموزشی قرار می‌دهد، استفاده گردد؛ از نیروهای فارغ‌التحصیل در این رشته در بخش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی و بازرگانی استفاده به عمل آید و متناسب با سطح روابط بین دو کشور، به تربیت نیروهای مورد نیاز پرداخته شود. بخش‌ها و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی کشور بایستی درباره پدیده چین معاصر، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، راه‌های رسیدن به این جایگاه، تاریخ و ادبیات و فرهنگ سنتی، اخلاقیات و روحیات و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی، تحولات سریع و فزاینده این کشور پژوهش کنند و مشترکات فرهنگی گذشته و راه‌های مشترک فراروی آینده بین دو کشور در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی را مشخص سازند و از توانایی‌های دو طرف برای بهبود روابط دوجانبه و تأثیرگذاری در سطح بین‌المللی استفاده کنند. ایران و چین در بسیاری از زمینه‌ها سرنوشت مشترک و بیش از آن، در آینده راه مشترکی دارند که باید پیمایند. بدون شناخت یکدیگر و بدون همکاری فکری و فرهنگی، طی این مسیر دشوار خواهد بود و پرداختن به این امور، منافع هر دو کشور را در پی خواهد داشت؛ مبادله تجارب ذیقیمت و دستاوردهای به دست آمده در هر دو کشور، هزینه را کاهش داد و راه رسیدن به اهداف و منافع دو طرف را کوتاه خواهد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. مشاهدات حضوری از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (به عنوان رایزن فرهنگی).